

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: آذرخش آذرخش

۱۶ می ۲۰۱۶

## تنها اراده سیاسی طبقه کارگر می تواند بحران موجود جامعه را حل کند!

توده های مردم امروزه حتی با سیلی نمی توانند صورتشان را سرخ کنند. نه به این دلیل که تهیدستان شرم و شأن خود را کنار گذاشته اند و با پلیدی های جامعه سرمایه داری می سازند و به گفته دیگر به آن تن می دهند، بلکه به این دلیل که چهره های تکیده و پژمرده جمعیت فقیر جامعه از فرط سوء تغذیه به زردی گرائیده و سرخی صورتشان به طور کامل به تحلیل رفته است! هزینه زندگی خانوارهای کارگری، پاسخگوی سبد مواد مصرفی آنان نیست. طبق آمارهای دولتی خط فقر مطلق، یعنی درآمدی که کمتر از آن حتی زندگی بخور و نمیر ممکن نیست بیش از دو برابر مزد حداقل کارگران است. مزد بیش از ۷۰ درصد کارگران شاغل برابر مزد حداقل یا کمتر از آن است. حتی مزد متوسط کارگران از خط فقر مطلق کمتر و تقریباً نصف خط فقر نسبی است. این یعنی محرومیت از بسیاری مواهب زندگی مانند بهداشت و درمان، آموزش، فرهنگ، تفریح و غیره. در یک کلام هشت دهک یا هشتاد درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق یا نسبی قرار دارند. حتی معاون رفاه اجتماعی، میدری، می گوید: «فقر در شهرها در حال گسترش است.»

گسترش فقر یعنی گسترش فساد و فحشاء و اعتیاد. گسترش فقر یعنی گسترش بیکاری و نا امنی و بی حقوقی. نظام سرمایه داری، جامعه را به انحطاط کشانده است و هرگز قادر نیست راه حلی برای گشایش گره های کور زندگی کارگران و زحمتکشان ارائه دهد. راه حل آنها سرکوب، زندان و استبداد است. در مقابل خواست افزایش مردها از سوی کارگران، مقاومت می کنند، زیرا که نمی خواهند از سود سرمایه داران کاسته شود. با تشکیل سندیکاهای مستقل طبقاتی کارگران مخالفت می کنند، زیرا که نمی خواهند کارگران متحد و متشکل شوند و معادلات جامعه به نفع طبقه کارگر تغییر یابد. آزادی و دموکراسی را سرکوب می کنند، کارگران پیشرو و آگاه و فعالان جنبش کارگری و همچنین معلمان پیشرو و فعال جنبش معلمان و سایر جنبش های اجتماعی را به زندان می اندازند و آنان را به اتهام برهم زدن نظم عمومی، از محیط کار و زندگی جدا می کنند، زیرا که مبارزه برای آزادی و حقوق انسانی، جهالت و خودکامگی و استبداد را از صحنه جامعه برمی چیند و مشارکت جمعی و اراده توده های ستم دیده را که مبتنی بر اتحاد و همبستگی آنان است بر جامعه حاکم می کند.

نه سرکوب و زندان، نه ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و نه «بستن کمربندها»، هرگز قادر نیست حکومت سرمایه داران و زمینداران را از بحران اقتصادی و سیاسی کنونی خارج کند. این بحران تا آنجا که به کارگران و زحمتکشان مربوط می شود، تنها با به میدان آمدن طبقه کارگر و با برپا داشتن پرچم مطالبات اقتصادی و سیاسی خود و تغییر بنیادی در جامعه سرمایه داری می تواند به راه حلی مطابق منافع کارگران و زحمتکشان منجر گردد. برای تغییر بنیادی نظام سرمایه داری و تبدیل جامعه طبقاتی به جامعه ای فاقد ستم و استبداد و سلطه طبقاتی، لازم است که طبقه کارگر در هیأت یک طبقه دارای انسجام و آگاهی از مبارزه طبقاتی، حضور داشته باشد. طبقه کارگر باید با سیاست مستقل و سازمان های مستقل خود وارد عمل، به ویژه وارد میدان مبارزه سیاسی شود. تا هنگامی که این طبقه وارد میدان مبارزه سیاسی مستقل خود نشود، امیدی به تغییر بنیادی جامعه نمی توان داشت. این طبقه باید بتواند وسیع ترین توده های مردم را به گرد خواست هائی که بیانگر منافع مشترک آنهاست متحد کند. این طبقه باید آگاهی و چشم انداز روشنی از مطالبات و اهداف آینده داشته باشد و این آگاهی و چشم انداز و راه دست یابی بدان را به توده های وسیع مردم نشان دهد.

**کارگران پروژه های پارس جنوبی**

**جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام**

**فعالان کارگری جنوب**

**جمعی از کارگران محور تهران - کرج**

**فعالان کارگری شوش و اندیمشک**

**اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۵**